4464
تعلیم الصبیان
UNIVERSITY LIBRARY
MUSLIM UNIVERSITY ALIGARH

بہ تحسین زبان کشای صبیان فطن طوطی افزای اہل جہان نسخہ
حسب الحکم سرکار دولتمدار جناب نواب یسین محمد خان بہادر
تعلیم الصبیان
باہتمام بندۂ حقیر محمد حسین خان خلف مولوی محمد حسن خان مرحوم بقلم فضل حسین خان
در مطبع حسنی محمد حسن خان واقع بلدۂ رامپور طبع یافت

بسم اللہ الرحمن الرحیم

شکر و سپاس و نعت عظمت اساس

پروردگار عالم همیشه شکر تراست و صفت تمام برائی تست که همه مخلوقات را تو پیدا کرده و از سمک تا سماک ایجاد فرموده هر لمحه و هر آن روح تازه می بخشی و از سفرهٔ عام رزق وافر ارزانی میفرمائی نعت نثار پیغمبر عالم محمد صلی اللہ علیه و آله وسلم باد که همه مخلوق و همه رسولان صلوات اللہ علی نبینا و علیهم سردار هست و برای ما باعث بخشش گناه و اوزار بعده میگوید راقم اثم که چون چند سبق درین اوراق برای تعلیم صبیان فائده اطفال فارسی خوانان جمع نموده لهذا تعلیم صبیان

نامش نهاد و فصول را چون قلیل المضامین بود به سبق اصطلاح داد امید

از صاحبان این فن اگر خطائے بینند به نظر استصواب اصلاحش فرمایند

ای خداوند عالم سعئے این اثم را قبول فرما و خاتمه اش بخیر موصول

بطفیل آن حضرت صلی الله علیه وسلم و بتول رضی الله عنها۔

سبق اول دربیان ایمان و عقائد اسلام

خداوند تعالی یگانه و قادر است قدرتش بر همه غالب است چنانکه اگر خواهد

همه آسمان و زمین را بیک اشاره نیست و نابود فرماید و روز فردا چنین نماید

او رب العالمین است همه مخلوقات را روزی مهیا فرماید و در سنگ کرمک را برگ

سبز ارزانی الله پاک مهربان است زیاده تر از مادر مشفقه که خطای بنده بیند

و جرم مجرم شناسد اما رفقش برقرار دارد بخشش کننده تر است که بندهٔ گنهگار

را بحکم غلبه رحمت و مغفرت خویش بر غضب و انتقام خود بیامرزد و بطفیل آنحضرت

صلعم به حضور خود رساند همه پاک و بالا و تعالی پیدا کرده است خوبی و زشتی به

حکم او وجود گرفته هر چه که بظهور آید از وی است هر برگے که بر زمین افتد و ذره که بر باد رود

بے اعتقاد او تعالی نیست بر پاک ذات او تعالی مسلمانان ایمان آرند و بدون
دیدنش او را بخدائی یقین کنند صحت و رنجوری و غمی و خوشنودی بامر او تعالے
دانند دیگر ہیچ نیست کہ کسی را خوشنود کند یا محزون نماید مگر او تعالے شانہ
محمد صلی اللہ علیہ وسلم رسول و محبوب او تعالی اند دیگر رسولان و پیغمبران
ہم گذشتہ اند کہ تعداد شان او تعالی داند و ہمہ راست گویان بودند مشاہیر
کتابہائے الٰہی چہار اند توریت۔ انجیل زبور فرقان و اینہا بر چہار
رسولان فرستادہ شد فرقان بر پیغمبر ماست صلی اللہ علیہ وسلم زبور بر داؤد
علیہ السلام انجیل بر عیسی روح اللہ توریت بر موسی کلیم اللہ از فرشتگان چہار
مقرب تر بارگاہ احدیت اند کہ نام شان جبرائیل۔ میکائیل عزرائیل
اسرافیل اند اسرافیل بجہت نفخ صور مامور ہست و عزرائیل قبض ارواح را مہتمم ست
میکائیل انصرام رزق و باران بحکم رزاق کند۔ و جبرئیل حامل وحی و احکام اللہ ذی الجلال
است روزیست کہ ہمہ مخلوقات فنا خواہد بود و آن روز بسیار خوفناک ہست
کہ آسمان ہا پارہ پارہ خواہند شد آفتاب و ماہتاب و ہمہ ستارگان بریزند کوہا چون

دوره ها سپرند زمین را پاره پاره بشکنند بار اسرافیل در صور حکم خدا بدمد که دگر باره
همه خلایق ذیحیات زنده برخیزند باری جل جلاله بر تخت انصاف جلوه فرماید
فرشتگان درین روز صف بصف گرد عرش تسبیح و تحمید کنان حاضر آیند
و بفرمان حقتعالی مخلوق را حشر کرده بحضورش آرند و گروه گروه را نشر و جدا کنند
این روز حشر و نشر را قیامت و روز جزا نامند درین روز فرشته
و جن انس و دیگر حیوانات و دوزخ و جنت به حضور خداوند حاضر آیند او تعالی همه
نیکی و بدی را سنجیده عدل فرماید نیکان را جنت عطا فرماید بدان را به دوزخ
فرستد جن را از آتش آفریده آدم علیه السلام از خاک ساخته شده فرشته از
نور بظهور آمد فرشتگان مطیعان فرمان آلهی اند و بندگان رضاجویان و ساختگان
پروردگار ایشان خبر معبودیت هیچ نسبتی به بیچون ندارند همچنین همه انبیا بندگان و
فرستادگان خدا اند این همه اصول را بدل داشتن و هم از زبان اقرار کردن را
ایمان گویند یعنی بدین یقین اقرار کردن که خداوند تعالی واحد خالق رازق نافع
و ضار است همه مخلوق و فرشتگان و پیغمبران بندگان او یگانه تعالی شانه اند

نہ فرزندگان و دختران و او تعالی پاک از خیر و شر ہست چنانچہ گویند و خوانند

آمَنْتُ بِاللّٰہِ وَمَلٰئِکَتِہٖ وَکُتُبِہٖ وَرُسُلِہٖ وَالْیَوْمِ الْاٰخِرِ وَالْقَدْرِ
ایمان لایا مین اللہ پر اور اسکے فرشتون پر اور اسکی کتابون پر اور اسکے رسولون پر اور دن قیامت پر

خَیْرِہٖ وَشَرِّہٖ مِنَ اللّٰہِ تَعَالٰی وَالْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ ط
اور اوسپر جو اندازہ اللہ بخشانے اپنی طرف سے بہلے اور بری کا کردیا ہے اور ایمان لایا مین پہر اوٹھائی جانے پر پیچھے مرنے کے

و می دانند۔ آمَنْتُ بِاللّٰہِ کَمَا ھُوَ بِاَسْمَائِہٖ وَصِفَاتِہٖ وَقَبِلْتُ
ایمان لایا مین اللہ پر جیسا کہ وہ موصوف ساتھ نامون اور صفتون اوسکے اور مان لیے

جَمِیْعَ اَحْکَامِہٖ
تمام حکم اوسکے

سبق دوم در بیان کفر و شرک

چہ امرے از گفتہ ضروریات بالا ایمان نیاوردن کفر ہست یعنے بر او تعالی یا بر صفات او تعالی یا بر احکام و بر پیغمبران او تعالی و صفتہا خاص او تعالی را بر دیگرے نسبت کردن شرک ہست بدانکہ کفر و شرک نہایت بد ہست کہ گناہے برابر او نیست آنرا کہ کفر کند و شرک آرد کافر و مشرک گویند او ہرگز بخشیدہ نخواہد شد تا توبہ نیارد اما دیگر ہمہ گنہگاران چندانکہ گناہ کبیرہ و صغیرہ کردہ باشند بوقتی امرزیدہ خواہند شد انشاء اللہ تعالی تو دانی کہ توبہ چیست و بخشش و آمرزش چہ پس توبہ از کار ناہنجار خود شرمندہ شدہ از خدای تعالی عفو بعجز خواستن و پیش او تعالی عہد بستن کہ گاہی مرتکب آن کار

نخواهد شد و بخشش اینکه بعد ثبوت گناه و نافرمانی از رنج و تکلیف روحانی و جسمانی
رهائی دهد خواه به مهر خویش یا بشفاعت حضرت محمد صلعم یا بسفارش دیگر پیغمبران صلی الله تعالی
علی نبینا علیهم یا باولیا و نیکوکاران رضوان الله تعالی علیهم چون خلاصهٔ کیفیت ایمان و کفر
مطالعه کردی ارکان اسلام را هم نگهدار چنانکه سقف بی ستون قایم نماند همچنین ایمان
هم بی ارکان استحکام نه پذیرد بلکه به پستی گراید پس بدانکه ارکان چهارگانه اند نماز
روزهٔ رمضان حج و زکوة این ها را بپا داشتن ایمان را مضبوط کردن است
نماز فریضهٔ پنجگانه را باوقات حسنه و تعدیل ارکان لازم گرفتن و روزهٔ رمضان را ادا نمودن حج و
زکوة اگر بتعداد مقرره زر بدست دارد ادا فرمودن دین را مستحکم نماید این چهار فرض که مذکور
شدند شرح طویل دارند اما درین مختصر انموذجی شرح نماز که رکن اول و عماد الدین است
اول ذکر کرده می شود و بعده بهمین طور یک یک فرض بر رساله جداگانه تسطیر
خواهد شد اگر فرصت وقت و زندگانی دست دهد ان شاء الله تعالی

سبق سوم در ذکر فرضهای نماز و جز آن

باید دانست که چند چیز که مقدمهٔ نماز است دانستن آن مقدم بر بیان مسائلش مناسب است

اوّلاً بذکر آن می پردازیم بدانکه از اصطلاحات احکام شرعیه عموماً و نماز
خصوصاً فرض و واجب و سنت و مستحب است و این هر چهار این است **فرض** امر قطعی
الدلالت قرآن مجید و حدیث متواتر ست **واجب** امر غیر قطعی **سنت** قول یا فعل
یا تقریر آنحضرت صلعم که احیاناً خلافش هم بظهور آمده باشد منکر قطعی ازین هر سه
کافر ست **مستحب** آن فعل برگزیده هر دو سرا ست صلعم که گاهے بعمل آمده
و تاکید در و واقع نشده تارک فرض و واجب مستحق دوزخ هست و اول
بدهست از ثانی و تارک سنن مستحق عتاب و ملامت و تارک مستحب و نفل
محروم از ثواب و فضیلت پس بدآنکه برای نماز چهارده فرض اند
هفت از ان بیرونی ست و هفت اندرونی

بیان اوقات نماز

یکی از فریضه بیرونی وقت نماز ست و آن پنج وقت اند یکی وقت نماز فجر ست و آن
از ظهور رشته سفید عریض در افق شرقی تا نه بر آمدن کناره آفتاب هست دوم
وقت ظهر ست که ابتدائی آن بعد از زوال تا دو مثل سایه هر چیز سوای سایه

اصلی ست واین یک روایت از حضرت امام اعظم رحمۃ اللہ علیہ و روایت دیگر از
امام صاحب وآن مذہب صاحبین و جمہور علما ست کہ انتہای وقت ظہر تا یک مثل
سایہ ہر چیز سوای سایہ اصلی ست سوم وقت عصر وآن از ختم ظہر ہر دو قول ہست
تا غروب آفتاب چہارم وقت مغرب وآن از غروب آفتاب تا شفق
سرخ پنجم وقت عشا وآن از غروب شفق سرخ بر قول مفتی بہ تا نیم شب
و نزد امام اعظم تا صبح با کراہت تحریمی دوم از فریضہ بیرونی پاکی جای نماز
سوم پاک بودن پارچہ نماز گذار چہارم پاک بودن بدن مصلی از نجاست پنجم
پوشیدن ستر عورت وآن برای مرد از ناف تا زیر زانو ست و برای زن ۔ زن
حرہ ہمہ بدن سوای روو کفہای دست و ہر دو قدم و برای کنیز از پشت
و شکم تا زیر زانو ششم قبلہ رو بودن ہفتم نیت نماز

بیان فرضہای اندرونی

یکی از ان تکبیر تحریمہ ہست دوم قیام سوم قرات چہارم رکوع پنجم
دو سجدہ ششم آخری قعدہ ہفتم خروج از نماز بفعل مصلی نزد امام اعظم رح

و واجبات و سنن و مستحبات نماز بر تو در ترتیب نماز هویدا خواهد شد انشاء اللہ تعالی۔

سبق چهارم در نجاست و طهارت

چون پاک داشتن جامه و بدن برای نماز فرض ست پس باید که پاکی و پلیدی را شناسد پس بدانکه نجاست دو قسم ست نجاست غلیظه و نجاست خفیفه غلیظه خون و ریم و قی و بول و منی و ودی و مذی و چرکین آدمی است و پس افگنده جانوران حرام گوشت و بیخال بط و ماکیان و خونیکه وقت ذبح ریزد و لعاب و تری خوک و سگ و فیل نجاست ہست خفیفه بیخال و بول جانوران ست که خوردن لحم شان جائز ست پس از نجاست خفیفه اگر چهارم عضوی از عضوهای بدن یا ریزه از ریزه های پارچه آلوده شود پلید ست نماز با آن جائز نیست و اگر ازین مقدار کم ست نماز جائز ست و از نجاست غلیظه بقدر درم در غیر آب عفو ست نجاست از شستن پاک شود پس اگر نجاست مرئی باشد شستن آن مقداری که عین او زائل شود کافی ست و اگر غیر مرئی باشد پارچه را سه بار شستن و سه بار فشردن پاک کند آب بر دو قسم ہست جاری و غیر جاری

جاری ہر دو گونہ ست اندک و بسیار آب اندک از آلودن نجاست مطلقاً

ناپاک شود آب بسیار روان آبیکہ دہ ذراع در عرض و دہ ذراع در طول باشد

از آلودن نجاست بمقداریکہ صفتی از صفات سہ گانہ او را کہ رنگ و مزہ و بوست

متغیر گرداند ناپاک شود و الا آب جاری بآلودن ناپاکی ناپاک نشود و دریں

تفاصیل بسیار ست مجلش مبسوطات فقیہہ اند۔

سبق پنجم دربیان وضو

اولاً ذکر وضو کردہ میشود کہ بے وضو نماز و سجدہ و مس قرآن مجید جائز

نیست پس باید کہ نیت یعنے ارادہ وضو کردہ بخواند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝ قُلْ رَّبِّ اَعُوْذُ بِكَ

شروع ساتھہ اللہ کے نام کے جو نہایت مہربان رحم والا۔ کہہ اے رب میرے پناہ مانگتا ہون مین تیری

مِنْ هَمَزٰتِ الشَّيٰطِيْنِ وَاَعُوْذُ بِكَ رَبِّ اَنْ يَّحْضُرُوْنِ

ساتھہ وسواسون شیطانون سے اور پناہ مانگتا ہون مین ساتھہ تیری اے رب میرے اس کہ حاضر ہون

بعدہ از آب پاک ہر دو دست تا بند دست بشوید سہ بار مضمضہ و غرغرہ کند

چون مرد و زن جنب و حائض و نفسا غسل نمایند وضو نیز کنند ۔ غسل سنت ست جمعہ و عیدین و احرام و عرفہ ۔ غسل مستحب ست برای بعضی امور

فرو رفتن ذکر و حیض و نفاس و انزال منی غسل را واجب گرداند

نیت نزد بعضی علما فرض ست و در مذہب حنفی سنت ۱۲

و بسم اللہ خواندن نزد بعضی ضروری و مسنون و بعد بسم اللہ قل رب اعوذ بک خواندن از اعمال صحت ۱۲

سنت و سنت ۱۲

سه بار و مسواک کند و در بینی آب از دست راست انداخته از سر انگشت خنصر
چپ اندرون بینی صاف کند و بلغم اندازد سه بار و بشوید میانه کناره موی سر
تا زیر ذقن و تا هر دو گوش و دستها مع آرنج سه بار بشوید و یک هم کند و آب در
کف دست گرفته جانب آرنج هم فرو ریزد اولا از دست راست بعده از دست
چپ یک مرتبه مسح تمام سر کند یعنی هر دو کف دست را از آب تر کرده سر خنصر
و بنصر و وسطی هر دو دست را متصل کرده از جبین بر کاسه سر تا بن گردن
کشد که سر انگشتان بر فرق سر گذرند پس سبابها درون هر دو گوش گذارد
و از سر انگشتان پشت گوشها مالد و گردن را به پشت انگشتان مسح کند از دست
جانب راست و از چپ سمت چپ و هر دو پا مع شتالنگ بشوید چنانچه بار آب بریزد
و از خنصر چپ خلال انگشتان پا کند شروع از انگشت خرد پای راست باشد و خنصر را از
زیر قدم بالا آورد بعده همین طور قدم چپ را شسته خلال کند و این هفت عمل
پی در پی نماید تا آب یک عضو خشک نشود قبله رو نشسته وضو کردن
مستحب است آب وضو از کسی طلبیدن ممنوع نیست بعد وضو نگاه بسوی آسمان کرده بخواند

سنت مؤکده است و نیز فرموده مکروه فائده دارد ۱۲

مستحب است ۱۲

فرض است یکبار و سه بار سنت ۱۲

یعنی اگر گنجایش باشد شستن تا آن بقدر ساق بشره فرض است ... مستحب و اگر گنجایش نباشد شستن آن ضرور ۱۲

مسح سر یکبار فرض است و سنت همه سر ۱۲

فرض است

سنت است ۱۲

مستحب است

اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْكَ لَهٗ وَاَشْهَدُ اَنَّ

گواہی دیتا ہوں میں یہہ کہ نہیں کوئی معبود لائق عبادت کے مگر اللہ کہ اکیلا ہے کوئی ساجھی اوسکا شریک نہیں ہے اور گواہی دیتا ہوں میں یہہ کہ

مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ مِنَ التَّوَّابِیْنَ وَاجْعَلْنِیْ مِنَ

محمد بندہ اور رسول اوسکے ہیں ای اللہ کردی مجکو توبہ کرنے والوں سے اور کردی مجکو

الْمُتَطَهِّرِیْنَ سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَاَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوْبُ اِلَیْكَ

پاکیزہ لوگوں سے ظاہر و باطن پاک ہے تو ای اللہ برائی اور شرک سے اور ساتھ تعریف تیری کے اور بخشش مانگتا ہوں تجھسے اور تیری طرف رجوع کرتا

سبق شانزدہم

چون تیمم قایم مقام وضو و ہم غسل ست و وقتہا باشد کہ بوضو ضرورت افتد مختصرش بہ بیان آید اگر آب نباشد تیمم برای وضو یا برای غسل کند یا آب در چاہ موجود ست اما بر آوردنش ممکن نیست تیمم کند یا خوف جان و تشنگی باشد تیمم کند و در صحرا بر آب چندان تجسس کند کہ وقت نماز نرود اگر احتمال فوت باشد تیمم کند اگر در مرض خوف زیادتی مرض ست یا زیادتی تکلیف تیمم جائز ست و طریق آن این ست اگر برای غسل میکند نیت غسل باید کرد و اگر برای وضو میکند نیت وضو

باید کرد و در هر دو صورت اگر نیت طهارت از حدث لاحق با حل نماز کند هم کافی ست
بعده بر سنگ یا بر خاک پاک یا بر هر چیز که از جنس خاک باشد هر دو دست یکبار زده بر
روی خود مالد چنانکه از آب در وضو میشوید که جای خالی نماند بار دیگر دستها
زده خنصر و بنصر و وسطی[۱] راست را با کف دست بر پشت دست چپ از ناخن تا آرنج
بمالد که جای[۲] خالی نماند و سبابه و نر انگشت را علیحده دارد اکنون دست چپ را بگرداند و از زیر
انگشت راست و سبابه حلقه زده جانب دیگر باز بر آرد تا سر انگشتان چپ بهمان
طوریکه جائی خالی نماند چنانکه در وضو دست با را از دست چپ دست راست را
بدین صورت بمالد و مسح انگشتان هر دو دست کند یعنی تمام انگشتان یکدیگر را اندرون
اندازد و بس این دو ضرب ست در تیمم و برائی وضو و غسل صورت یکیست
الا نیت[۳] و از باب تیمم مثل وضو چند نماز جائز اند تا شکسته نشود و شکننده وضو و تیمم یکی ست
یعنی آنچه وضو را شکند تیمم را نیز شکند و نیز تیمم را قدرت بر آب هم می شکند

[۱] لیکن از این همه ترکیب از ضرورتست تیمم نیست فرض همین قدر ست که از سر انگشتان هر دو دست تا آرنجها جائی خالی نماند بهر طوریکه باشد ۱۲ ۱۲

[۳] نیت وضو بالا گذشت ۱۲ ۱۲

سبق هفتم شکننده هائی وضو

براز و بول و ریح هر قدر که بر آید وضو را می شکند و باختلاف یکی شکننده وضو آن ست

که وقت وضو هر قدریکه از عضوهائی وضو جائی خالی ماند وخون وریم که بر جلد بدن برآمده از جائی خود حرکت کرده باقی شده پر دهن وخفتن وغنودن تکیه زده اما خفتن در قیام نماز ودر رکوع وسجده وضو را نمی شکند وهر چیزیکه موجب غسل ست شکننده وضو ست ومذی و ودی ومنی که برآید وجنون وبیهوشی همه ناقض وضو اند اما گذشتن ندت مسح بر موزه وضو را نمی شکن مگر شستن پاها را واجب میکند

سبق هشتم در اذان واقامت

یکی از سنن موکده اذان ست که در صحرا و بیرون شهر ودر مسجد بالخصوص برای فرض ودر خانه شهر اگر بگفته شود باکے نیست اذان چیست بانگی ست بالفاظ مخصوص که مومنان برای جماعت نماز آگاه شوند چون وقت نماز می آمد حضرت بلال رضی اللہ عنہ اذان میگفت که پسندیده باری تعالی بود مومنان بر وقت نماز مطلع شده در مسجد شریف حاضر می آمدند وبآن حضرت صلعم نماز میگذاردند که در اصل نماز با جماعت ست پس اذان آن ست

اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ

اللہ سب سے بڑا ہے — اللہ بہت بڑا ہے — اللہ سب سے بڑا ہے — اللہ بہت بڑا ہے۔

چہار بار پس اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ دو بار پس اَشْهَدُ

گواہی دیتا ہون مین یہہ کہ نہین کوئی معبود مگر اللہ — گواہی دیتا ہون

اَنَّ مُحَمَّدًا رَّسُوْلُ اللّٰهِ دو بار پس حَيَّ عَلَى الصَّلٰوةِ دو دفعہ پس

کہ تحقیق محمد صلعم رسول اللہ کے ہین — آؤ نماز پڑھنی کو

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ دو بار اَلصَّلٰوةُ خَيْرٌ مِّنَ النَّوْمِ اما این

آؤ بھلائی پر — نماز بہتر ہے نیند سے

وقت صبح گفتہ شود نہ در وقت دیگر اَللّٰهُ اَكْبَرُ دو دفعہ پس

اللہ سب سے بڑا ہے

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ یکبار تمام شد موذن وقت اذان سبابہای خود در

نہین کوئی معبود مگر اللہ

سوراخہائے ہر دو گوش دارد و شنوندہ را باید کہ ہرچہ موذن گوید

این ہم گویان باشد اما بر حَيَّ عَلَى الصَّلٰوة حَيَّ عَلَى الْفَلَاح

آؤ نماز پڑھنی کو — آؤ بھلائی پر

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ؕ

نہین پھرنا گناہ سے اور قوت عبادت پر مگر ساتھ مدد اللہ کے

گوید آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمودہ کہ گردنہای موذنان از ہم

بلند خواہد بود پس شوند از ین بہرہ محروم نماند بعد ختم اذان این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلٰوةِ الْقَآئِمَةِ اٰتِ مُحَمَّدَنِ الْوَسِيْلَةَ

ای اللہ ای رب اس پوری پکار کے اور ای رب اس نماز قایم کے دی سردار ہمارے محمد صلعم کو وسیلہ

وَالْفَضِيْلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيْعَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَّحْمُوْدَنِ الَّذِيْ

اور بزرگی سب پر اور درجہ بلند اور بھیج اونکو مقام محمود مین کہ جسکا تو نے

وَعَدْتَّهٗ وَارْزُقْنَا شَفَاعَتَهٗ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ

وعدہ فرمایا ہے اور نصیب کر ہمکو شفاعت اونکی قیامت کے دن تحقیق تو نہین بدلتا وعدہ کو

وہرچہ خواہد دعا کند کہ وقت قبول است بعد اذان برای اقامت جماعت اینقدر

توقف باید کہ چہار گانہ گذاردہ شود اما برای نماز مغرب توقف نباید کرد

اکنون امام بجای خود قایم شود و موذن اقامت گوید یعنے تکبیر شروع

کند و الا ہر مقتدی کہ بردست راست امام باشد اولی است وچون تکبیر

گفتہ شود برای نماز مقتدیان صف کشند وچون قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوة

گفتہ شود امام نیت نماز کند و اقامت ہمچون اذان است مگر بعد

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ ط حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ ط قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوة
قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوة دو بار گفته شود اَلصَّلٰوةُ خَيْرٌ مِّنَ النَّوْمِ نباید
گفت وچون قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوة گفته شود شنونده گوید اَقَامَهَا اللّٰهُ
وَاَدَامَهَا ط وبر الفاظهای دیگر هیچ نگوید وموذن ومکبر لفظ اللّٰه را دراز
دراز کند اما اکبر را نکشد ودر برابر کردن صفوف ها اهتمام نماید وآنها را کج
نباید داشت مقدم در صفها مردان اند ایستاده شوند بعده طفلان
پس ازان خنثی وعنین پس‌ترین زنان چون امام تکبیر تحریمه گوید مقتدیان
اقتدایش ورزند یک امام وسه مقتدی جماعت است اگر یک مقتدی باشد
بر دست راست امام برابرش ایستد بچیزی پسین از جماعت شخصی امام باشد
که قرآن از همه بهتر خواند ومسائل نیکوتر داند واگر شخصی امام شود که قرآن
ومسائل چندان داند که از انها نماز جائز باشد هم رواست

آن حضرت صلعم
تاکید فرموده‌اند

یعنی دیوانه نباشد
وکار دنیا وخرید
فروخت بدوقت
ونقصان نتواند
کرد ۱۲

بالغ یعنی در خواب
ضرورت غسل
افتد

سبق نهم دربیان صفت نماز

نماز بر هر مومن عاقل بالغ فرض هست هر که انکارش کند کافر هست وهم اگر

تقصیر و استنجا و تا سه روز ترکش نماید کافر گردد پس هیچ فرضی نیست که تارکش کافر گردد

الا نماز بفرموده مقبول حضرت رسول صلعم مَنْ تَرَكَ الصَّلٰوةَ مُتَعَمِّدًا

فَقَدْ كَفَرَ و نزد جمهور علما کفر نیست بلکه اعظم کبائر است پس نماز را محکم

گیر چنانچه باری تعالی فرماید اَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ پس قایم کردنش همین که پنجوقته

برغبت دل و بانکسار تمام باوقات حسنه و به تعدیل ارکان ادا کرده باشد و به

هیچ وجه نگذارد اگر ایستادن نتواند نشسته بخواند اگر این هم نتواند بر قفا

گذارد و در صحت و مرض در سفر و حضر در امن و اضطراب نماز گذاشتنی نیست

و نماز را بران طور ادا نماید که آن حضرت صلعم ادا میفرمودند یعنی بعد اذان اقامت

ایستاده شود بر هر دو قدمها و هر دو پا را برابر دارد به تفاوت چهار انگشت و نیت کند که

نیت میکنم برای چهار یا دو رکعت فرض وقت صبح یا ظهر وغیره

پس این امام اگر مقتدی باشد برای امامت برای الله تعالی گفته و فهمیده هر

دو دست تا نرمه گوش برداشته تکبیر تحریمه یعنی اَللّٰهُ اَکْبَرُ گویان زیر ناف

بندد چنانکه دست چپ زیر دست راست باشد و از خنصر و نر انگشت را

حلقه زنند و زن وقت نیت هر دو دست تا دوش برداشته بر سینه بندد

این چیست از همه کار ظاهری و باطنی دست برداشتن و دل بگذارش آمیختن است

و همین گفتن که خداوندا تو از همه بزرگ و برتر هستی و من بنده حقیر دست پیش تو

آمده ام و بر کسی و بر هیچ جانب نظر نه اندازد و التفات نکند و بر جای سجده

نظر دارد و بعجز و فروتنی ایستاده باشد بدین طور ایستادن چیست

پیش شهنشاه حاضر شده عرض معافی است از تقصیر و گناه خود بدین سبب

در ابتدای قیام تسبیح گفته میشود آنرا ثنا گویند الفاظ آن این است

سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالٰى جَدُّكَ

تو بری ہی اور تیری پاکی ہی اے اللہ۔ اور ساتھ تعریف تیری کے جو کسیکو نہیں لگتی اور بزرگ ہے نام تیرا اور بلند ہے مرتبہ تیرا

وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ ۞ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ

اور نہیں کوئی معبود سوا تیری پناہ مانگتا ہون مین ساتھ اللہ جلشانہ کے شیطان

الرَّجِيْمِ ۞ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۞

نکالے ہوی سے شروع کرتا ہون مین ساتھ نام اللہ کے جو بڑا مہربان نہایت رحم والا

۵۱ در بیجا تفصیل است علامہ شامی اختیار کردہ ۱۲

۵۲ مستحب است و ادب است

۵۳ واجب است

۵۴ شروع التفات است ۱۲

اقرار شکر است ۱۲

الحمد للہ رب العالمین ۝ الرحمن الرحیم ۝ مالک

سب تعریف اللہ کو ہی جو صاحب ہے جہان کا　بڑا مہربان نہایت رحم والا　مالک انصاف کے

یوم الدین ۝ ایاک نعبد وایاک نستعین ۝ اھدنا

دن کا　تجہی کو ہم عبادت کرتے ہین　اور تجہی سے مدد چاہتے ہین ہم　دکہادے ہمکو

الصراط المستقیم ۝ صراط الذین انعمت علیھم

راہ سیدہی　راہ اون کے　جن پر تو نے احسان کیا اور مت دکہا راستہ اونکا

غیر المغضوب علیھم ولا الضالین ۝ آمین ۝

کہ جسکے چلنے والوں پر غضب ٹوٹا　اور نہ گمراہون کا راستہ دکہا ایسا ہی ہو دے　ای اللہ

آمین مخفی گوید و بروقت خواندنش دل بہ معنی گمارد و بعد فاتحہ در دو رکعات
اولی فرض یک آیہ کلان یا سہ آیہ خورد آمیزد یعنی اول سورۂ فاتحہ و بعدش
سورۂ دیگر خواند اما در رکعات آخری صرف فاتحہ خواندن کافیست و در نماز
سنت و نفل در ہمہ رکعات آمیزیدن واجب است چون از بہترین سورتہا خورد
سورۂ اخلاص است لہذا درینجا نوشتہ می آید سورۂ اخلاص

قل ھو اللہ احد ۝ اللہ الصمد ۝

کہہ دو ای محمد صلعم کہ اللہ　ایک ہے　اللہ بے نیاز ہے

لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُوْلَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَّهٗ کُفُوًا اَحَدٌ ۵

نہ اوسنے جنا۔ اور نہ وہ جنا گیا ۔ اور نہیں اوسکے جوڑ کا کوئی

یا چہار سورہ دیگر از سورہ یا آیت آمیزد اما کم از مقدار مذکورہ نباشد پس رکوع کند

یعنے اللّٰہ اکبر گویان سر فرو اندازد چندانکہ سر و پشت برابر سرین باشد و

کمر چون تختہ باشد و با ہر دو دست زانو را محکم گیرد و نظر بر پائی خود دارد و سہ بار

خفیہ خواند سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیْمِ این از بالا افتادن چیست
پاکی ہے رب میری کو جو بڑا ہے

بدان کہ چون مدعا صورت اجابت گرفت داعی بخواہش زود

قبولیت اظہار عجز کرد و پشت خم ساخت و گفتن آغاز کرد کہ پروردگار

برتری و پاک از ہمہ بدی اگر سُبْحَان در نفل زیادہ از سہ بحساب طاق

خواند بہتر است پس سَمِعَ اللّٰہُ لِمَنْ حَمِدَہٗ بطور مذکور گفتہ قومہ کند یعنے
سنی اللہ نے تعریف اپنی جو اوسکے واسطے ہے

از رکوع برخاستہ قایم شود و دستہا گذارد و چون امام سمع اللہ گوید مقتدی

و ہمچنین منفرد بعد سمع اللہ خود رَبَّنَا لَکَ الْحَمْدُ خواند و اگر

حَمْدًا کَثِیْرًا طَیِّبًا مُّبَارَکًا فِیْہِ بعد ربنا لک الحمد بیفزاید

فرض ہست
سنت ہست
سنت ہست
واجب ہست یکبار واجب ۱۲
سنت ہست
مسنون ہست
مستحب ہست

هم خوب است و اگر امام هم این تحمید را گوید نزد بسیاری از علما مستحب است
چون بلندی درجه هویدا شد داعی حیران شده سر برداشت که خواب است
یا بیداری کجا من بندهٔ هیچکاره و کجا این درجه مقربانه و بعد وقفه چو این تحقیق شد
بر زبان خود کلمات شکر و دعا همی راند و چون اینجا درجهٔ قبولیت پیدا یافت
سر شکرانه بر زمین عجز انداخت این است قومه و سجده و چنان رود که
اول هر دو زانو بر زمین رسند و باز هر دو کف دست باز سر در میان هر دو دست
نهد که جبین و بینی هر دو قرار گیرند نظر بر بینی افتد و انگشتان قبله رو باشند
ارنجها و شکم از فخذین و زمین علیحده باشند و زن این هر یک عضو را
چسپانه و خواند سه بار خفیه سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلٰى گویا بزبان
پاکی ہے رب میری کو جو سب برتر ہے
حال میگوید که تو پاکی و پروردنده برتری از من کمترین هیچ نیاید جز اینکه خود را
بخاک فگنم اگر تکرار تسبیحات بحساب طاق کند زیاده اولی است و فهمد که
هیچکس برابر او نیست و من و همه پیش او نهایت عاجز اند و همین خضوع است
اکنون الله اکبر گویان سر بردارد و دو زانو نشیند که پنجه پائی راست

١١ مستحب است

١٢ سنت است

ایستادہ باشند و انگشتہا پیش قبلہ رو برزمین باشند و پنجہ چپ زیر خود بگسترانند و نظر و ہر دو دست بر فخذین وارد و انگشتان قبلہ رو و زن ہر دو قدم خود جانب راست بیرون گذارد این را جلسہ نامند و بخوانند

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَارْحَمْنِيْ وَاهْدِنِيْ وَارْزُقْنِيْ

اے اللہ بخش دے گناہ میرے اور مہربان ہو مجھ پر اور دکھا راستہ تو مجھکو اور روزی دے مجھکو

وَارْفَعْنِيْ وَاجْبُرْنِيْ

اور مرتبہ دے مجھکو اور نقصان سے بچا مجھکو

این شکرانہ ادا کردہ باز بدعا پرداختہ مہر و رزق و عزت میخواہد اکنون چون نشان قبول پیدا شدہ نتوانستن نشستن دگر بارہ افتاد و جبین نیاز برزمین نہاد پس ہمین طور سجدہ دیگر نماید این ہر دو سجدہ فرض اند باید کہ ہر دو را پے در پے کنند این یک رکعت شد ہمہ رکعات باین طور ادا کنند چون دو رکعت با تمام رسانند بنشینند بہمان صورت کہ در جلسہ نشستہ بود و خواند بخفیہ

اَلتَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوٰتُ وَالطَّيِّبَاتُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

عبادتیں زبان کی واسطے اللہ کے ہین اور دعا عاجزی کی اور ادب پاکیزہ سلام پہونچے تجکو

اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهٗ اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا

اے نبی رحمت اللہ کی اور برکتین اوسکی سلام ہمپر

۵ واجب است ۱۲

۵ فرض سنت ۱۲

۵ واجب ہست خواندن و ہم بخفیہ خوانند ۱۲

۵ تا طلب اقوال آنحضرت صلعم ہست کہ بندہ ادا کند

۵ خداوند تعالی فرماید ۱۲

وَعَلٰی عِبَادِ اللّٰہِ الصّٰلِحِیْنَ ۝ اَشْھَدُ اَنْ لَّآ اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ

اور اوپر صالحین بندگان خدا کے — مین گواہی دیتا ہون کہ کوئی لائق عبادت نہین

وَاَشْھَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُہٗ وَرَسُوْلُہٗ ۝

اور گواہی دیتا ہون مین کہ محمد صلعم بندے اوسکے ہین — اور رسول اوسکے

اکنون قابلیت نشستن حاصل کرد تا بگوید آن کلام کہ بشب معراج باہم یگانہ و محبوب بے ہمتا درمیان آمدہ بود پس بدان کہ نماز برای ہر یکی ازین امت مرحوم بدرجۂ معراج است مصلی را باید کہ خود را بحضور آن تعالی داند و این را قعدہ اولے گویند اگر نیت چہار رکعت بود ہر دو رکعت و قعدہ را شفعہ نامند پس اگر نیت برای چہارگانہ است برخیز و تکبیر گویان کہ شروع مدکند ازین جا تا آن کہ راست شود و قتیکہ تعداد رکعات موافق نیت تمام شود بنشیند کہ این را قعدہ اخیرہ نامند اینجا بعد تشہد یعنے التحیات و درود را باو شامل کند و درود این است

این ہا را ہم مخفی خواند اَللّٰھُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی

اے اللہ درود بھیج اوپر محمد صلعم کے اور اوپر

اٰلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلٰی اِبْرَاھِیْمَ

اولاد محمد صلعم کے — جیسے کہ رحمت بھیجی تونے اوپر ابراہیم علیہ السلام کے

آنحضرت صلعم — پیشوای بندگان را — ورین درجہ — نائل و رسیدہ — ارشاد فرمودہ

فرشتہ رسید

وَعَلٰی اٰلِ اِبْرَاهِیْمَ اِنَّكَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ ۝

اور اوپر آل ابراہیم علیہم السلام کے تحقیق تو اصلی تعریف کیا گیا بزرگ ہے

اَللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ

ای اللہ برکت نازل کر اوپر محمد صلعم کے اور اولاد محمد صلعم پر جیسے کہ برکت نازل فرمائی تونی

عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ وَعَلٰی اٰلِ اِبْرَاهِیْمَ اِنَّكَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ ۝

اوپر ابراہیم علیہ السلام کے اور اوپر اولاد ابراہیم علیہ السلام کے بیشک تو تعریف والا بزرگ ہے

واین درود ہا چیست تو گوئی کہ چون فرشتگان این سوال وجواب کہ دلیل

نہایت مرتبہ است لشب معراج دیدند بہ تعریف آن صلعم مشغول شدہ

بودند اللہ اللہ برای ہر یک مصلی صد نماز پس وقت است کہ ہر التجا درجہ

پذیرائی یابد چون از کمال تحمید گوناگون فارغ شدہ وپس آن درود

بر سید المرسلین ادا کرد وقت اجابت دعا حاضر شد پس مناسب آمد کہ

در این چنین موضع مشغول بدعا شود وبہترین از ینہا این ست

رَبَّنَا اٰتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَّفِی الْاٰخِرَةِ

ای پالنے والے ہمارے دی ہمکو دنیا مین بھلائی یعنے رزق اور اولاد نیک اور دی بیچ آخرت کی

حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۝ اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ

نیکی کر دیدار و فضل بہے اور بچا ہمکو عذاب دوزخ سے سلامتی ہو اوپر تمہاری اور رحم

الله گوید و جانب راست سر بگرداند باز السلام علیکم ورحمۃ الله
سلامتی ہو اوپر تمہارے اور رحم اللہ کا
گوید و جانب چپ سر بگرداند اکنون نماز تمام شد چون بعد سلام
نماز فرض وقت اجابت دعاست باید که بخشوع و خضوع بدعا مشغول شود
و هرچه خواهد طلب دارد اما آنچه لایق شان آن تعالی شانه باشد این سلام
بر فرشتگان و امام و مقتدیان است که امام بر مقتدیان و فرشتگان
سلام گوید و مقتدیان بر امام و فرشتگان و مقتدیان در سفر ظهر و عصر
و عشا دو دو رکعات باید خواند آنرا نماز قصر گویند ـــ

سبق دهم در تعداد رکعتهای نماز پنجگانه از فرائض و سنن و نوافل

در نماز صبح چهار رکعات اند اول دو سنت اند موکده که ضرور خواند چندانکه اگر جماعت
صرف امید یافتن یک رکعت دارد تاهم این ترک نه نماید اما اگر وقت تنگ باشد
این را ترک کرده صرف فرض ادا کند و سنت بعدش ضرور نیست و دو رکعت فرض اند
اما در فرض او باجهر یعنی فاتحه و سوره را بآواز ظاهر خواند اگر تنها باشد خواه جهر کند یا باخفا
در ظهر دوازده رکعات اند اول چهار سنت پس چهار فرض باخفا باز دو رکعت

سنت پس دو نفل اگر جماعت ایستاده باشد چهار رکعت سنت اولی را تاخیر
کرده فرض و جماعت دریابد و بعدش این چهار رگانه را ادا نماید اگر وقت
تنگ باشد فرض اول بخواند بعد این چهار دو دیگر را اگر وقت خارج
شده باشد والا سنت قضا کرده نمی شود دو سنت فجر تفصیل است
نماز جمعه که وقتش وقت ظهر است فرض است بر هر مرد صحیح و مقیم
شروطهائیکه برای ادائیش باشند ششگانه اند که از انها یک جماعت است
که بدونش نماز جمعه ادا نخواهد شد یک خطبه است که آنحضرت صلعم بدو
خطبه میخواند اگر خطبه حاضر نباشد این تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ ۵
پاک ہے اللہ سب عیبوں سے اور سب تعریف اللہ کو ہے اور کوئی معبود برحق نہیں مگر ایک سچا خدا اور اللہ سب سے بڑا ہے
قایم مقام خطبه توان شد و در میان هر دو خطبه وقفه خفیفه باید بغیر دست برداشتن
دعا نماید که وقت قبول است چون امام بر منبر آید بانگ بر رویش گفته آید و مردان
بصف در نشینند اولا خطبه خوانده شود بعده نماز جمعه دو رکعات با جهر رکعات
نماز جمعه دوازده باید خواند اول چهار سنن بعدش دوگانه جمعه با جماعت بعد
دو سنن دیگر و درین زمان که علما در وجود شروط ادای جمعه درین دیار اختلاف ار

چهار رکعات فرض به نیت احتیاط جمعه ادا کردن خوبست اما در هر چهار رکعات
فاتحه و سوره خواند اینها دوازده رکعات شدند - در عصر چهار رکعات اند
فرض با جهر اما اگر پیش آنها چهار یا دو رکعت سنت خوانده شود بهتر است در مغرب
مغرب هفت رکعت اند اول سه گانه فرض با جهر منفرد خواه خواه جهر کند یا اخفا بعد
دو سنت و دو نفل باز اگر چهار رکعات یا شش نفل هر دو رکعت بیک سلام ادا نماید
نیکو است و چهار رکعت بیک سلام هم جائز است و نام این نفلها صلوة اوابین است
در عشا اگر اوّلاً چهار نفل خواند بهتر است بعدش چهارگانه فرض ادا نماید امام با جهر
و تنها هر گونه خواهد بعد ازان دو رکعت سنت بر خواند و وتر خواندن که واجب است وقتش
در وقت عشا افتاد مع لحاظ ترتیب پس باید که بعدش سه گانه وتر ادا کند و بعدش
دو نفل خواند و بهتر است که این را نشسته خواند چون بنده این رکعات عشا را با جماعت
ادا کرد گویا که همه شب در عبادت گذاشت اما اگر در عشا چهار نفل پیشین ادا نماید و
اکتفا کند بر چهار فرض و دو سنت و سه گانه وتر بعدش دو نفل هم کافیست
و باید دانست که وتر سه رکعات بیک نیت با خفا و تر است بعد دو رکعت قعده کند

و در رکعت سوم بعد فاتحه و سوره رفع یدین کرده دعای قنوت مخفی خواند و بعد ازان

رکوع کند و قعدہ اخیرہ کردہ سہ گانہ با تمام رساند رفع یدین این کہ ہر دو دست

تکبیر گویان تا نرمہ گوش بر داشتہ بنہد چنانکہ در تکبیر تحریمہ گذشت در رمضان شریف

وتر با جماعت و ہر سہ رکعات با جہر خواند و قنوت مخفی و دعای قنوت این ست

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْتَعِيْنُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ

ای اللہ تجھی سے مدد مانگتے ہین اور تجھی سے بخشش مانگتے ہین اور تجھی پر ایمان لاتے اور بھروسا رکہتا ہین تجھی پر

وَنُثْنِيْ عَلَيْكَ الْخَيْرَ وَنَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ وَنَخْلَعُ وَنَتْرُكُ

اور تیری ہی تعریف کرتے ہین اچھی اور شکر کرتے ہین تیرا اور ہرگز کفر نعمت تیری کا نہین کرتے اور بیزار ہوتے ہین اور چھوڑتے ہین ہم اسکو

مَنْ يَّفْجُرُكَ اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّيْ وَنَسْجُدُ

جو نافرمانی تیری کری ای اللہ تیری ہی عبادت کرتے ہین ہم اور تیری ہی نماز پڑھتے ہین اور سجدہ کرتے ہین

وَاِلَيْكَ نَسْعٰى وَنَحْفِدُ وَنَرْجُوْ رَحْمَتَكَ وَنَخْشٰى

اور تیری ہی طرف دوڑتے ہین اور خدمت کرتے ہین اور امید رکہتے ہین رحم تیری کی اور ڈرتے ہین

عَذَابَكَ اِنَّ عَذَابَكَ بِالْكُفَّارِ مُلْحِقٌ ۵

عذاب تیری سے بیشک عذاب تیرا کافرون سے ملنے والا ہے

سبق یازدهم در بیان بعض ضروریه

جائز است همه نماز در ریل اگر ایستاده باشد تکلفی نیست اما وقتیکه روان
باشد ادا کردن نماز اگر برای قیام ریل انتظار کند بهتر است اگر خوف باشد
که در انتظار وقت از دست میرود باید که نماز گذارد و احتیاطاً بعد فرود
آمدن از ریل قضا پیش کند برای نماز فرض قبله متعین کرده نیت کند بعده
اگر ریل برگردد مضائقه ندارد خود هم بگردد و برای نفل بر سواری بیرون
از شهر تعیین قبله ضرور نیست متنفل مختار است که ایستاده گذارد یا نشسته
از نمازهای واجبه نماز عید الفطر و ضحی و تراویح در رمضان
شریف تا یک ختم قرآن مجید است نماز عید الفطر و الضحی دو دو رکعات
با شش شش تکبیرات اند برای شان نیت کند که نیت میکنم
برای نماز عید الفطر یا عید الضحی
با شش تکبیرات باقتدائی این امام بعد تکبیر
تحریمه ثنا خوانده سه تکبیر ها گوید چنانکه بر هر تکبیر رفع یدین کند

اما درمیان تکبیر با بر بندد این چہار تکبیرات شدند اکنون دستہا بندد
ونماز شروع کند وقبل رکوع ثانی سہ تکبیرات گوید چنانکہ در رکعت
اولی گفتہ شد بعد چہارم تکبیر گویان رکوع کند بعدہ نماز بدستور تمام کند
وبعد نماز خطبہ است نماز تراویح بست رکعات اند بدہ سلام در ماہ
رمضان شریف در وقت عشا تا ختم قرآن مجید سنت موکدہ است کہ حضرت عمر
رضی اللہ عنہ بزنارک آنہا حکم جہاد فرمودہ اند چند وقت اند کہ درآنہا
نماز وسجدہ منع است وآن وقت طلوع وزوال وغروب
آفتاب است مگر عصر آن روز ودرمیان نماز عصر ومغرب چند وقت اند کہ درآنہا
نفل گذاردن بسیار ثواب دارد یکی بعد نیمہ شب یا بعد دو ثلث شب تا صبح
صادق تہجد است کہ آنحضرت صلعم گاہی ترک نفرمودہ این از دوازدہ
رکعات تا چہار رکعات است وبعد یک نیزہ برخیزیدن آفتاب
چہارگانہ نفل است چنانچہ نماز فجر خواندہ در ذکر ماندہ وتا این چہارگانہ
ادا نکردہ باشد در شغل دنیا میل نہ نماید تا ثواب یک حج

وعمرہ یابد این را اشراق گویند و بعد یکپاس روز چہارگانہ دیگر ہست
کہ چاشت نامند توفیق رفیق باد کہ این ہمہ ادا کردہ آیند بجہر رواست در
ہمہ نوافل در شب نہ در روز نماز در شب تا ہشت رکعات بچہار قعدہ بیک
نیت رواست اما در روز از چہارگانہ نفل بدو قعدہ و یک نیت جائز نیست مقتدی
در ہر نماز خاموش ایستادہ قرآن امام شنود و قرآن نخواند اما اگر فاتحہ خواند
خوب است کہ آنحضرت فرمودہ اند لَا صَلٰوۃَ اِلَّا بِفَاتِحَۃِ
الْکِتَابِ واقتدای امام کند و در ہیچ رکنے پیشی نگیرد
در نوافل شب بغیر تداعی و در قضا ہم امامت روا ہست

سبق دوازدہم در شرکت جماعت

یعنی وقتیکہ جماعت قایم ہست یا شخصے فرض ادا میکند و کسی با اینہا شرکت
میخواہد او را باید کہ تکبیر گوید و شریکش شدہ اقتدای امام کند اگر امام پیش
جماعت ایستادہ باشد این یعنی مقتدی یا مسبوق در صف بایستد و سبحانک
اللہم نخواند وقتیکہ امام نماز تمام کند و سلام دہد مسبوق مقتدی

را باید که بدون سلام برخاسته باقی نماز را با تمام رساند بدین طور که اگر
از رکعات اولین ترک شده باشد آنها را با فاتحه و سوره خواند و اگر از
شفعهٔ اخری چیزی مانده بلا سوره تمام نماید اگر شخصی تنها در نماز باشد مسبوق را
باید که وقت شریک شدن تکبیر با جهر گوید تا مصلی آگاه شود و نیت اقامت
کرده مسبوق را مقتدی خود گرداند و بر دست راست بچیزی پس ایستاده شود
اگر این شخص تنها که امام گرفته شده است بوقت رکن او شخص سابق
تکبیر جهری گوید معلوم شد که فرض ادا نماید پس باقتدائش پردازد و اگر
تکبیر مخفی گفت معلوم شد که فرض نیست اقتدائش کسلد و اگر امام در رکوع است
یا در سجده وغیره باید که مسبوق نیت کرده هر دو دست بلحه برسته در همان رکن
شریک شود که امام در وی است و هرگز انتظار قیام امام نکشد وقتیکه مسبوق نماز
بقیهٔ خود را ادا کردن شروع نماید در اولش ثنا خواند اگر یک مقتدی باشد و دیگری
نیز شریک شود باید که پس امام بعد نیت اول را کشد و هر دو برابر
پس امام ایستند و یا مقتدی نو برابر مقتدی سابق ایستد

وامام البته جای خود پیش قدمی کند و همین بهتر است

سبق سیزدهم در سجده سهو

آن دو سجده کردن است با تشهد و درود و دعا یعنی بعد تشهد یک سلام
کرده دو سجده کند و بعده تشهد و درود و دعا خوانده نماز تمام کند
در نمازے که سجده سهو لازم شود اگرادانکه اصل فرض از ذمه ساقط شود
لیکن اعاده آن نماز بر ذمه واجب نمی ماند و آن در تاخیر رکن فرض و در ترک
واجب واجب می شود تاخیر فرض آن است که مثلاً بعد یک رکعت بقدر
ادای یک رکن یا زیاده بنشست سجده سهو کند یا در قعده اولی بعد
خواندن تشهد برای برخاستن تاخیر کرده درود تا اللّٰهم صل علی محمد
خواند سجده سهو کند ترک واجب آن است مثلاً ترتیب ساقط کردن چنانچه
سوره قبل فاتحه خواند یا سجده بر رکوع مقدم ساخت یا بعد فاتحه
سوره نخواند یا قومه یا جلسه یا قعده اولی نکرد یا نماز بلفظ السلام
تمام نکرد اندرین صورتها سجده سهو کند و از ینها یک خطا باشد

یا زیادہ سجدہ سہو یکبار کردہ خواہد شد اگر تسبیحات رکوع و سجود و دعائی قومہ جلسہ
و تشہد و درود کہ خفض اند بآواز سموعی بر خواند اگر قرات خفی را با جہر
یا جہری را با خفا ادا کرد قلیل یا کثیر سجدہ سہو کند سجدہ سہو
لازم نباشد البتہ در جہر تشہد بعض فقہا بلزوم سجدہ سہو قایل اند

سبق چہاردہم در مفسدات و مکروہات نماز

مفسدات اگر ترک کرد فرضے یا زائد کرد عملی کہ منافی نماز باشد نماز فاسد شد مثلاً
قیام یا رکوع یا سجدہ یا قعدہ آخری نکرد یا خندید نماز فاسد شد یا در سجدہ
انگشتہای ہر دو پا از زمین برداشت یا مجنون شد در نماز یا بعد حدث کرد
نماز فاسد شد یا سر و سینہ از قبلہ بگردید یا تنحنح یعنے آواز از حلق برائے
صاف کردن صوت کہ از حروف اُح اُح بلا عذر و بلا غرض صحیح کرد
یا حرکت کثیر کرد نماز فاسد شد حرکات کثیر حرکات پے در پے اند یا
حرکتے کہ نمازی آنرا کثیر گمان کند یا در نظر بینندہ معلوم شود کہ حرکت کنندہ
در نماز نیست و این صحیح ترین اقوال است مکروہات در نماز بر یک پا ایستادن

وپارچه پوشیدن حقیر وذلیل باوجود بودن پارچه خوب وعزیز ویا ردا بردوش
داشته گوشهایش رها کردن ونماز را وبشدت حاجات ضروریه یا در اشتهای
سخت طعام وآب باوجود حضوری آن ادا کردن چشم پوشیده یا برهنه
سر نماز گذاردن اگر تواضعا نباشد وخاک وخاشاک از جای
سجده صاف کردن مکروه است اگر یکبار بجهت ضرورت باشد مکروه نیست

سبق پانزدهم در دعاها وعملها

بایدکه بعد نماز بدعا مشغول شود هرچه که لائق خواستن ازان بارگاه باشد
برجوع قلب استدعا نماید که دعای مومن قبول است در دنیا اگر ظهور نیابد
در آخر ضرور اجر عظیم بدست آید وخاص اوقات قبول این است بعد نماز فرض
ودر ثلث آخر شب ودرمیان نشستن امام بر ممبر برای خطبه نماز جمعه تا ختم نماز
ودرمیان ماه رمضان مبارک خصوصًا وقت افطار ووقت غروب بروز جمعه ودر مرض و
درسفر وغائبانه برای غایب وظهورش بروقت مقرره در علم الهی موقوف است ونیز بشروط
مشروط ادعیه که در قرآن مجید وفرقان حمید

آمدہ اند بہتر اند خوب و مرغوب بندہ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ نَّسِیْنَا اَوْ

ای رب ہمارے نہ پکڑ ہماوں عیب پر ہمکو کہ ہمنے بھول گئے یا چوک گئے

اَخْطَاْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَیْنَآ اِصْرًا کَمَا حَمَلْتَہٗ عَلَی الَّذِیْنَ

ای رب ہمارے مت ڈال اوپر ہمارے بوجھ جیسا کہ رکھا تونے اوسکو اوپر اونکی کہ لیے

مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَۃَ لَنَا بِہٖ ط وَاعْفُ

جو ہمسے پہلے تھے ای پالنے والے ہمارے اور مت رکھوا ہمپر وہ چیز کہ جسکی ہم مین طاقت نہین اور معاف کر

عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلٰنَا فَانْصُرْنَا عَلَی الْقَوْمِ

ہمسے اور بخشش کر واسطے ہمارے اور رحم کر ہمپر تو کارساز ہمارا ہے پس فتح دے ہمکو ہماری قوم

الْکٰفِرِیْنَ ۵ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوْبَنَا بَعْدَ اِذْ ھَدَیْتَنَا

کافروں پر ای رب ہمارے مت ٹیڑے کر ہمارے دلونکو بعد اسکے کہ ہدایت دی تونے

وَھَبْ لَنَا مِنْ لَّدُنْکَ رَحْمَۃً اِنَّکَ اَنْتَ الْوَھَّابُ ۵

اور دی تونے ہمکو اپنی پاس سے رحمت بیشک تو بڑا ہی دینی والا ہے۔

رَبَّنَا ظَلَمْنَآ اَنْفُسَنَا وَاِنْ لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا

ای رب ہمارے ظلم کیا ہمنے اپنی جانون پر اگر نہ بخشیگا تو ہمارے گناہ

وَتَرْحَمْنَا لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ۝ رَبَّنَآ اِنَّنَا

اور نہ رحم کریگا ہمپر بیشک ہم ہو جاوینگے تباہ دنیا و دین مین ای پالنے والی ہمارے تحقیق ہمنے

سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُّنَادِيْ لِلْاِيْمَانِ اَنْ اٰمِنُوْا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنَّا

سنا پکارنیوالے کو کہ ایمان کیطرف پکارتا ہے کہ ایمان لاؤ اپنی رب پر پس ایمان لائے ہم

رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّاٰتِنَا وَتَوَفَّنَا

ای رب ہمارے بخش ہمارے گناہ اور دور کر ہمسے برائیان ہماری اور مار ہمکو

مَعَ الْاَبْرَارِ ۝ رَبَّنَا وَاٰتِنَا مَا وَعَدْتَّنَا عَلٰى رُسُلِكَ

ساتھ نیکون کے ای رب ہمارے دی تو ہمکو وہ چیز جسکا تو نے وعدہ کیا ہمسے اپنی رسولون کی معرفت

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ

اور مت رسوا کر ہمکو دن قیامت کے تحقیق تو بدلتا نہین ہے وعدہ

رَبَّنَآ اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ

ای پالنے والے ہمارے دی ہمکو دنیا مین نیکی اور آخرت مین

حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۝ رَبَّنَا تَقَبَّلْ

نیکی اور بچا ہمکو عذاب دوزخ سے ای رب ہمارے قبول کر

مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ۝ و این غیراز قران دعا ہاے

ہمسے ہمارے کلام تحقیق تو سننی والا جاننی والا ہے

ماثورہ است اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى

اے اللہ درود بھیج اوپر سردار ہمارے محمد صلعم کے اور اوپر

اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلٰوةً تُنْجِيْنَا بِهَا مِنْ جَمِيْعِ

اولاد سردار ہمارے محمد صلعم کے وہ درود کہ نجات دی تو ہمکو اوسکی برکت سے تمام دہشتون

الْاَهْوَالِ وَالْاٰفَاتِ وَتَقْضِيْ لَنَا بِهَا جَمِيْعَ

دنیا اور آخرت سے اور دارین کی آفتون اور پوری کر ہماری اسکی واسطے تمام

الْحَاجَاتِ وَتُطَهِّرُنَا بِهَا مِنْ جَمِيْعِ السَّيِّئَاتِ

دونون جہان کی حاجتین اور پاک کردے ہمکو اوسکی برکت کے سبب برائیون سے

وَتَرْفَعُنَا بِهَا عِنْدَكَ اَعْلَى الدَّرَجَاتِ وَ

اور بلند کر ہمکو اسکے سبب اپنی نزدیک بلند ترین درجات مین اور

تُبَلِّغُنَا بِهَا اَقْصَى الْغَايَاتِ مِنْ جَمِيْعِ الْخَيْرَاتِ

پہونچا ہمکو اسکی برکت کے سبب سے نہایت مطلبونپر تمام بہلائیون سے

فِي الْحَيَاةِ وَبَعْدَ الْمَمَاتِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

بیچ زندگی کے اور پیچھے مرنے کے آخرت مین تحقیق تو اوپر ہر چیز کے

قَدِيْرٌ ۝ و دیگر خوب است اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ

قدرت رکہنے والا ہے ای اللہ بخش دی مجکو اور میرے باپ دادونکو

وَالْوَالِدَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ

اور میری مان دادیون اور نانیونکو اور تمام مسلمانون اور مسلمانیون کو

اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيْعُ الْمُجِيْبُ الدَّعَوَاتِ ۝ و ظائف

البتہ تو سننی والا قبول کرنیوالا دعاؤنکا ہے

باید کہ بخواند این را بعد ہر نماز فرض و این را اٰیۃ الکرسی میگویند کہ برای حفاظت

جان و مال مجرب است و خواندنش بعد ہر فرض در حدیث شریف وارد شدہ

اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ ۚ لَا تَاْخُذُهٗ سِنَةٌ

اللہ وہی کہ نہین کوئی معبود سچا سوا اوسکے زندہ تہامنی والا نہین لگتی اوسکو اونگھ

وَّلَا نَوْمٌ ؕ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ؕ

اور نہ نیند اوسی کی ہے ہر چیز جو آسمانون اور زمین مین ہے

مَنْ ذَا الَّذِيْ يَشْفَعُ عِنْدَهٗۤ اِلَّا بِاِذْنِهٖ يَعْلَمُ

کون ہے ایسا جو شفاعت کرے اوسکے حضور مین مگر اوسیکے حکم سے وہ جانتا ہے

مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيْطُوْنَ

وہ شی جو آگے اون کے ہے اور جو پیچھے اونکے ہے اور نہین گہیر سکتے لوگ

بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهٖۤ اِلَّا بِمَا شَآءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ

کچھہ اوسکے علم سے مگر جسقدر کہ وہی چاہا گہیر لیا ہے کرسی یعنی بادشاہی اوسکی نے آسمانون

وَالْاَرْضَ وَلَا يَئُوْدُهٗ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ ۵

اور زمین کو اور نہین تہکاتی اوسکو نگہبانی اونکی اور وہ ہے بلند مرتبہ بڑا

تمام شد دیگر این ہست کہ از ثواب او زمین و آسمان پر شوند سُبْحَانَ اللّٰهِ (پاک ہے اللہ)

سی و سہ بار اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ (سب تعریف اللہ کو) سی و سہ بار اَللّٰهُ اَكْبَرُ (اللہ سب سے بڑا ہے) سی و چہار بار بعد

ہر نماز فریضہ و ہم وقت خواب شب بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَا

شروع کرتا ہون مین اللہ نام کے ساتھہ ایسا ہے وہ

يَضُرُّ مَعَ اسْمِهٖ شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَآءِ

کہ نہین نقصان پہونچا سکتے اوسکے نام کے ساتھہ کوئی چیز بیچ زمین کے ہو یا بیچ آسمانون کے

۵ از روایت عثمان رض جو کوئی یہ کلمات تین بار بعد نماز مغرب و فجر کے پڑہیگا اوسکو کوئی چیز او سے ضرر نقصان نہ پہونچا سکیگی

وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۵ سہ بار بعد نماز مغرب و فجر کہ در ہمہ

اور وہ سننے والا دعا کا اور جاننے والا ہر ایک کا ہے

شب وا از صبح تا شام از ہمہ آفات محفوظ ماند و نیز بخواند بعد نماز صبح و مغرب سہ بار

اَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيمِ ۵

پناہ مانگتا ہوں ساتھ برکت نام اللہ کے سننے والا جاننے والا ہے برائی شیطان مردود سے

و یک بار هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ

وہی ہے اللہ وہ اللہ کہ نہیں کوئی معبود مگر وہ جاننے والا پوشیدہ کا

وَالشَّهَادَةِ تا ختم سورہ حشر کہ ثوابش در حدیث شریف بسیار آمدہ

اور ظاہر کا

۵۲

و نیز در حدیث شریف صبح و شام خواندن اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ

پناہ مانگتا ہوں میں ساتھ کلموں

اللّٰهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وارد شدہ و بخواندن صبح و شام

اللہ کے کہ پورے ہیں برائی ہر چیز پیدا کی ہوئی سے

یک یک بار سورہ کافرون قُلْ يَا أَيُّهَا الْكٰفِرُونَ لَا أَعْبُدُ

کہہ اے محمد صلعم اے کافرو میں نہیں پوجتا اوس چیز کو

۵۱ از روایت معقل بن یسار ... جو کہے صبح کو تین بار ... اللہ تعالیٰ ... فرشتے ... شام تک ... اگر مر جاوے اس دن تو شہید ہوگا ۱۲

۵۲ از روایت ابو ہریرہ رضی جو کوئی اسکو کہیگا شام کو تین بار اوسکو ... نہ لگیگا ۱۲ ۱۲

مَا تَعْبُدُوْنَ ۝ وَلَآ اَنْتُمْ عَابِدُوْنَ مَآ اَعْبُدُ ۝

کہ جسکو تم پوجتی ہو اور نہ تم پوجنی والے ہو جسکو میں عبادت کرتا ہون

وَلَآ اَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُّمْ ۝ وَلَآ اَنْتُمْ عَابِدُوْنَ

اور نہ میں عبادت کرنیوالا ہون اوسکو جسکو تم پوجتی ہو اور نہ تم عبادت کرنیوالے ہو

مَآ اَعْبُدُ ۝ لَكُمْ دِيْنُكُمْ وَلِيَ دِيْنِ ۝

جسکی میں عبادت کرتا ہون تمہارے لیے دین تمہارا ہے اور میرے واسطے دین میرا ہے

اگر این سورہ چہار بار خواند ثواب سالم یک قرآن یابد و بخواند بعد مغرب

وفجر سورہ اخلاص ۳ ۳ بار کہ ثواب یک قرآن شریف است یعنی قل ہو اللہ احد

تا آخر بخواند معوذتین ۳ ۳ بار یعنی سورہ فلق و سورہ الناس

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝ وَمِنْ شَرِّ

کہو ای محمد صلعم پناہ پکڑتا ہون ساتھ پیدا کرنیوالے صبح کے اوس چیز سے جسکو اوسنے پیدا کی اور برائی ڈہانک لینیوالی

غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ ۝ وَمِنْ شَرِّ النَّفّٰثٰتِ فِي الْعُقَدِ ۝

رات سے جسوقت ڈہانکے اور برائی پہونکنی والیون سے بیچ گرہون کے

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ ۝ قُلْ اَعُوْذُ

اور برائی حسد کرنیوالے سے جسوقت کہ حسد کرے کہہ ای محمد صلعم پناہ مانگتا ہون مین

بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ اِلٰهِ النَّاسِ مِنْ

ساتہہ پالنیوالے لوگون کے بادشاہ لوگونکے معبود لوگون کے

شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝ الَّذِيْ يُوَسْوِسُ

برائی وسوسہ ڈالنے والے پیچہے ہٹ جانیوالے کے سے وہ جو وسوسہ ڈالتا ہے

فِيْ صُدُوْرِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۝

بیچ سینون لوگونکے جنون مین سے یا آدمیون مین سے

از آیۃ تا اینجا ہشت عدد وظیفہ ہست بعد نماز مغرب وصبح بمقدار مذکور ہر روز بلاناغہ بخواند تا از ہمہ بلیات وآفات دنیوی واخروی اوتعالی مامون دارد انشاء اللہ تعالے

نصائح حمیدہ واخلاق پسندیدہ برائے فرزند

اسعدک اللہ تعالی فی الدارین ستر کی بجاے یگانہ سیا

و مادر را رحمتی بزرگ از منعم حقیقی شمار که او را باعث حیات تو گردانید
و در نکوئی بمادر ترا ثواب حج و عمره و جهاد بخشیده ۵ جنت که رضائی
مادران است ÷ در زیر قدوم مادران است- حکم پدر بجا آر و مطیع
باش که گاهی جور بلفظ اُف هم با ایشان از تو نرسد- و بدان که رضای
مالک حقیقی بر رضای ایشان ست- نماز پنجگانه را بپا دار و به هیچ حالت
مگذار ۵ روز محشر که جانگداز بود ÷ اولین پرسش نماز بود + روزه های
رمضان ادا کن و زکاة مال بده و اینجا خوب گفته شعر زکوة مال ادا کن که
فضله رز را ÷ چو باغبان ببرد بیشتر دهد انگور + و حج را بوجود شرائط
از دست مده و هر حکم او تعالی شانه را در دل خود بنه- و وقتیکه توانی بوالدین
خود احسان کن- و وقتیکه ایشان ناتوان شوند بازوی شفقت زیر پای ایشان
بگستر و اقارب خود را یگانه بدار چون عقارب مشمار- حق همسایه و مسکین و مسافر
و ماتحت خود به نکوئی بده- و مال خود را به بیهودگی از دست مده که این اسراف
است و تبذیر- و مبذرین برادران شیطان حقیر هر که این خصلت بدرا

گند انجامش به ندامت کشد و قدر و منزلت او از دست رود اما اگر بنام خدای تعالی همه خانه و اثاث البیت بدهی رواست اگر وثوق داری که هرچه به حق بگذرد بر آن صابر باشی و حاجت خود را نزد کسی نبری و کسی را بر حاجت خود مطلع نگردانی والا توسط اولی است ای فرزند هوش دار که شیطان دشمن پایدار است هرچه که اراده بد در دل خود یابی از و بپرهیز که آن از شیطان است تا توانی بگریز بخل در انفاق خود مکن که این هم اسراف است و بدترین صفات اشراف در هر کار میانه رو باش تا که در دارین خوش باشی و بشاش - ای فرزند بکشتن جان خود را آماده همچنین نیست که این کار بسیار زبون و سخت است و نیز در بدکاری و زنا مرو که بیحیائی و شرمساری است و اراده مال کسی ناحق گرفتن هم مدار چه این فعلیست که حق تعالی از و بیزار است و طمع بیکاره ع طمع را سه حرف است هر سه تهی :: آنچه که بگوئی بجا آر ورنه عهد شکنی است و این هرجا بی اعتبار - از غیبت و نمامی اجتناب گیر و از کسی گوش مدار و بدروغ و تهمت هشیدار - بدی کسی بی تحقیق آورد راست مشمار تا وقتیکه پیدائی ثبوت نیاید و هر که دیگران را بد گوید او را بر آن گه هرکه

عیب دگران پیش تو آورد و شمرد ٭ بیگمان عیب تو پیش دگران خواهد برد

زینهار تکبر میار یعنے خود را نیکو و کلان و بزرگ مشمار و دیگران را از خود

ذلیل و خوار کہ معلم الملکوت ازین راہ از بالا افتادہ و کلاہ عزت بہوائی مذلت

در دادہ - ہر کہ پیوند کبر و ریا بنرید در عالم کبریا نپرید ؎ تکبر مکن زینہار ای

پسر ٭ کہ روزے زدستتش در آئی بسر - ای فرزند خود بینی و خود نمائی مکن کہ این

خلاف واقع مثل شان احولیست و ہر کہ ازین دور است از خوبی دولت معمور است

و تبختر مخرام کہ این حرا است اگر تکبر و تبختر میکنی نہ توانی کہ زمین را از پا بکنی و سر از

آسمان ببری - ای فرزند شکر حق تعالی ادا کن کہ ترا نعمت فزاید و بے آن کار بر نیاید

گو این کاریست دشوار کہ حق حق تعالی بیشمار است کے توانی کہ از ذمہ اش بر آئی

؎ از دست و زبانی کہ بر آید ٭ کز عہدہ شکرش بدر آید ٭ شکر این است

کہ بر ہر نعمت از زبان اقرارش نمائی و دل را از ان بشاشش داری و اعضا را

ہر وقت بکارش باز نداری و دست و پای بکارش فرسائی ہر چہ کہ از و رسد بآن

خوش باشی اگر نا گوار داری و از و راضی نشوی ضرور است کہ از ملک او تعالی

بیرون روی از زمینش بد شنو و از سایه آسمان بیرون رو که کفران نعمت
هیچ است هشدار این مکن و از وی بپرهیز گر دولت کزان انعامات الٰهی در آید
نور ایمان و نعمت خداوند سبحان فزاید ای فرزند تا توانی بزرگان را ادب پیش آر
و خوردان را به شفقت خویش دار شعر ادب تاجیست از لطف الٰهی * بنه بر سر
برو هر جا که خواهی - این را بنفس خود خیال که آنچه بر خود نه پسندی بر دیگران
پسند نشنو بهمه خلق خوش خلق و خنده رو باش تلخی و ترش روی بگذار چون بر تو
پاشیده اند تو بر خلق پاش شیوه مردمی و مروت را شعار خود ساز به هیچ نکوئی خود منما
دوست و دشمن را به نیک روش خود شاد کن و خندان و دوستان و دشمنان را
از کار خود مرنجان تا او شان دوستی افزایند و ایشان از دشمنی باز آیند
شعر آسائش دو گیتی تفسیر این دو حرف است * با دوستان تلطف با دشمنان مدارا
ای فرزند در همه حال قایم مزاج باشی تلون را از خود رها سازی هر قدر سختی که چار
شود بد دل مشو بسهولت و دانائی گوارا کرده بدفع آن بکوش تا وقتی آید که
از سر تو برود شکایت ناگواری پیش کس مساز که هم کفران است و هم

سبب غضب الٰہی و باعث خوشنودی دشمنان۔ جائیکہ پند بشنوی یا بہ
بینی آنرا بپسند۔ آنچہ امر حق خواندہ و یا بخوانی خود را بعملش ببند مثل آن
حمار مباشی کہ انبار حکمت بردارد اما ہیچ نفعے ازو حاصل بنسازد۔ دروغگو
و خوگر قسم مباش کہ بے اعتبار خواہی شد و مردی کہ بے اعتبار است در چشم
مردمان خوار است قناعت پیشہ کن کہ بہترین صفت مردمی است و موجب
راحت دنیا و باعث مسرت در عقبی۔ جائی خود نگہدار و جاہی را از دست
مگذار۔ از عجز و انکسار خود را بر زمین تواضع و فروتنی بنہ و نخوت کبر را
بخود راہ مدہ و در ہمہ جا خود را کمترین خلایق شمر۔ اما با متکبران
عجز و فروتنی میار و در چشم ایشان خود را حقیر مدار از حسد چون
درندہ بگریز کہ آتش ست جان سوز۔ این کیمیاست دوستان را
بیاموز۔ آنچہ کہ گوئی بتامل گوئی کہ اگر خوب است اختیار داری و اگر نیک
نباشد چون تیر از دست رفتہ باز نیاید و حسرت بدست آید از صحبت
بد بگریز چون گوسفندان از گرگ تیز دندان کہ دین و ایمان را

بے نور سازد و فہم و فراست از تو بر باید ۵ صحبت صالح ترا صالح کند + صحبت طالح ترا طالح کند - راز خود را چند دوست خالص گفتن خود را در ورطۂ ندامت انداختن است اگر گوئی حسرت بری و باز ائی ثمر ندامت بری دوست را از دشمنان برآوردن کار دشوار است کہ دوست کمیاب است و دشمن دوست نما بسیار - کار شایستہ بے مشورۂ دوست مکن ۵ در چنین کار مشورت باید + کار بے مشورت نکو ناید - ای فرزند ما از انچہ کہ داری تا توانی حاجت خلق بر آر تا ضرورتہای تو بر آید خدا بر تو باشد تو بر خلق باش چشم از عیب پوشیدن و سیرت عفو گرفتن فرزانگی است و در حالت غضب غیظ را فرو خوردن مردانگی ست - صلی اللہ تعالی علی خیر خلقہ محمد و الہ و اصحابہ اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین ۱۲ ۱۲ ۱۲ ۱۲

تمت

اسم خاتمۃ الطبع

۱۸ ع ۹۹

ہزاران ہزار شکر ایزد رحمن و نعت بیحد و بیشمار نبی نیکو نہاد - و منقبت آل اطہار
و مصاحب اصحاب کبار - کے بعد محمد حسین منصرم پرچہ دبدبہ سکندری - بسند طبع ریاست رام پور
خدمت پاک دیدۂ افہام میں - گزارش پرداز انشراح ہے - کہ اندنون کتاب دار العبادت
مسمی بہ **تعلیم صبیان** نامہ پیکر اقبال - واسطے فائدہ عام انوار عواطف ہونہار
اطفال اسلام بھوپال کے - کہ اسکو پڑھ کر مسائل دین سے جو رکن اول جلوہ گاہ ایمان ہے
آگاہ حقایق ہو کر علم معاش کیطرف - متوجہ ہوں بنا بر انطباع کامل اس مطبع میں آئی
اور بتوجہ حکم کشاف حقایق - قدردان جہان یکتائی بے ہمتا - فیض رسان اہل عطا -
جبل افتخار - گل گلستان خاندان - نہال ثمر نواب **یسین محمد خان بہادر**
رئیس معتبر کہ دار الاقبال نیر اعظم **بھوپال** - دام اقبالہ و شوکتہ الی یوم داور باقی
مطبع منورہ دبدبہ سکندری رام پور میں - ماہ فیروز مند ربیع الثانی - زیور اصنام انطباع سے پیراستہ ہوئی
رازدان الہا مؤلف نامدار کی سعی کامیاب فرما - اور کتاب مقبول طبائع اطہر کر -
بحرمت النبی و آلہ الامجاد و اصحاب مناہج مراد - **تمام شد التماس**